

# انگیزه های اجتماعی خواندن و نخواندن

دکتر محمد حسین دیانی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

بسیاری از آثار درباره نوشتن به بحث درباره :

چرا باید خواند

چه باید خواند

چرا نمیخوانند

می پردازند.

در این سخن به چرا باید خواند بیش از موارد دیگر توجه شده  
است :

آمارها و شواهد گواهی می دهند که کشورهایی که  
بیشترین تعداد کتاب و سایر منابع اطلاعاتی را تولید می کنند  
و بیشترین کمیت و کیفیت مطالعه به آنها اختصاص دارد،  
همانهایی هستند که از بهترین سطح رفاه برخوردارند.

برای تعیین سطح رفاه شاخص‌های اقتصاد، کارآفرینی، فضای  
کسب و کار، حکومت و حکمرانی، آموزش، بهداشت، امنیت  
و ایمنی، آزادی فردی و سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار  
می‌گیرد.

۳۰ کشور برتر به لحاظ سطح رفاه از بین ۱۴۲ کشور در فهرست لگاتوم به ترتیب رتبه عبارتند از:

- ۱ نروژ، ۲. سوئیس، ۳ دانمارک، ۴ نیوزیلند، ۵ سوئد، ۶ کانادا، ۷ استرالیا، ۸ هلند، ۹ فنلاند، ۱۰ ایرلند، ۱۱ ایالات متحده آمریکا، ۱۲ ایسلند، ۱۳ لوکزامبورگ، ۱۴ آلمان، ۱۵ بریتانیا، ۱۶ اتریش، ۱۷ سنگاپور، ۱۸ بلژیک، ۱۹ ژاپن، ۲۰. هنگ‌کنگ، ۲۱ تایوان، ۲۲ فرانسه، ۲۳ مالت، ۲۴ اسپانیا، ۲۵ اسلوانی، ۲۶ جمهوری چک، ۲۷ پرتغال، ۲۸ کره جنوبی، ۲۹ لهستان، ۳۰. امارات متحده عربی.

۳۰ کشور آخر از ۱۴۲ کشور به لحاظ سطح رفاه عبارتند  
از

۱۱۳ زامبیا، ۱۱۴ نیجر، ۱۱۵ اوگاندا، ۱۱۶ کامرون، ۱۱۷  
تانزانیا، ۱۱۸ ساحل عاج، ۱۱۹ موزامبیک، ۱۲۰ جیبوتی، ۱۲۱  
موریتانی، ۱۲۲ مالاوی، ۱۲۳ عراق، ۱۲۴ سیرالئون، ۱۲۵  
نیجریه، ۱۲۶ اتیوپی، ۱۲۷. جمهوری کنگو (کنگو برازویل)،  
۱۲۸ زیمبابوه، ۱۲۹. توگو، ۱۳۰ پاکستان، ۱۳۱ گینه، ۱۳۲  
لیبریا، ۱۳۳ آنگولا، ۱۳۴ سودان، ۱۳۵ یمن، ۱۳۶ سوریه، ۱۳۷  
جمهوری دموکراتیک کنگو، ۱۳۸ بوروندی، ۱۳۹ چاد، ۱۴۰  
هائیتی، ۱۴۱ افغانستان، ۱۴۲ جمهوری آفریقای مرکزی.

این موسسه هشت زیر شاخص رفاه ایران و جایگاه آنها را  
میان ۱۴۲ کشور اینگونه تعیین کرده است:

اقتصاد رتبه ۱۰۵، کار آفرینی رتبه ۹۲، حکومت و حکمرانی  
۱۲۲، آموزش ۶۵، بهداشت ۶۷، امنیت و ایمنی رتبه ۱۲۰،  
آزادی‌های فردی رتبه ۱۳۱، و سرمایه اجتماعی رتبه ۱۱۵

بنا به آمار یونسکو، تنها ۴ درصد از کل پژوهش‌های علمی جهان در کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود (مضطرزاده، ۱۳۸۰). به طوری که از نظر تولید علم کشورهای خاورمیانه از مجموع ۱۰۰ درصد، ۶/۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند که با ملاحظه این عدد سهم کشور ما بسیار ناچیز و در میزان نزدیک به صفر است.



میانگین نسبت محققین در یک میلیون نفر برای کشورهای آسیایی ۴۰۱ نفر، آمریکای لاتین ۳۶۴ نفر، کشورهای عربی ۳۶۳ نفر و آفریقا ۱۱۷ نفر است.

در حالی که این میانگین برای کشورهای اروپایی ۲۲۰۶ نفر و آمریکا ۳۷۹۸ و در مورد ژاپن گفته می‌شود بیش از ۴۰۰۰ نفر است.

این مقایسه ها بیانگر نوعی رابطه مثبت بین سطح رفاه و تولید، نشر و استفاده از دانش است.

هرگاه این ارتباط را در سطح کلان بپذیریم، پذیرش آن در سطح خرد نیز ضروری است.

در سطح کلان به آمار میزان مطالعه در سطح کشور توجه می شود و در سطح خرد به مباحث مربوط به خواندن و نخواندن افراد .

در عین حال توجه به دو مولفه برای خواندن یا نخواندن  
ضروری است:

۱. رفتارهای فردی افراد (سطح خرد) نمی تواند خارج  
از سپهر مولفه های اجتماعی ( سطح کلان) توجیه یا تفسیر  
شود.

۲. مولفه های اجتماعی تعیین کننده یا جهت دهنده  
رفتارهای فردی از جمله خواندن یا نخواندن است.

در این راستا می توان پرسید بخوانیم که چه بشود؟ و اگر  
نخوانیم چه می شود؟

هم در نوشته های فارسی و هم در ذهن شما پاسخهای زیادی  
برای این پرسش وجود دارد.

آشکار است که این پاسخها با شرایط اجتماعی که در آن  
زندگی می کنیم، هماهنگ است.

و نیز آشکار است که بیشترین بحثهای مطرح در ایران، حول  
گرد محور نگرانی ازخواندن است.

در این سخن بر آن نیستم که هر آنچه را که در باره خواندن یا نخواندن در ایران گفته شده و می شود، برایتان نقل کنم.

بلکه بر آنم تا با اتکای کامل به یک نوشته در باره خواندن و نخواندن در مهمترین کشور تولید کننده و مصرف کننده اطلاعات که از بهترین سطح رفاه نیز برخوردار است، نشان دهم که چرا مطالعه عنوان قوی ترین انگیزه اجتماعی در امریکا شناخته می شود.

هدف از تشریح آنچه که در یک اجتماعی دیگر به عنوان یک واقعیت اجتماعی تلقی می شود، برانگیختن کنکاش ذهنی برای یافتن انگیزه های خواندن و نخواندن در ایران است.

با این نیت ، محتوای مقاله نوشته شده با عنوان

مطالعه قوی ترین عامل اجتماعی در امریکا و دلایل آن

در ادامه تشریح می شود.



تاکید می‌کنم که در این نوشته تعداد بسیار زیادی نظریه یا حداقل ادعا درباره فواید خواندن و زیانهای نخواندن در آن دیار، وجود دارد.

ممکن است همه یا قسمتی از این نظریات یا ادعاها را فرهنگ بسته تلقی کنیم و اعلام کنیم که در فرهنگ دیگری مانند ایران ممکن است درست نباشد.

در چنین صورتی حداقل باید با تحقیقات تجربی عدم تناسب آنها را برای جامعه ایران بیازمائیم و انگیزه‌های اجتماعی خواندن و نخواندن خاص جامعه خود را پیشنهاد کنیم.

آنچه که در پی می آید از آن مقاله و آن نوشته است

هسته مرکزی آموزش را خواندن تشکیل می دهد. سرچشمه دانش در هر موضوعی از جریان مطالعه در دبستان شروع می شود.

انسان باید در درک آن گروه از مسائل جهان که با ریاضیات در ارتباط است، توانا باشد. انسان اگر نتواند بخشهای مربوط به علم و مطالعات اجتماعی را مطالعه کند، نمی تواند به پرسشهای آمده در انتهای بخش کتاب درسی یا پرسشهای مطرح در زندگی روزمره خود پاسخ دهد.

نامشابه با یک نمایش تلویزیونی، دستورالعمل های رایانه ای نه تنها باید مشاهده، بلکه باید خوانده شوند تا فهمیده شوند

مطالعه طنابی است که همه قایقهای دبستان را به دنبال خود می کشد. می توان ادعا کرد که مطالعه تنها مهمترین عامل اجتماعی در زندگی امروز آمریکا است.

در اینجا **فرمولی** برای پشتیبانی از این ادعا ارائه می شود.

فرمول ساده به نظر می رسد ، اما برای همه موارد آن می توان شواهد تجربی یا آماری ارائه داد. گرچه این فرمول همگانی یا جهانی نیست، اما در بیشتر موارد صادق است.

ادعای کلی این است که هیچ چیز بر جامعه ما ( امریکا )  
همانند خواندن ( یانخواندن ) تاثیرگذار نیست.

## فرمول الف

۱. هرچه بیشتر بخوانی؛ بیشتر می دانی
۲. هرچه بیشتر بدانی، با هوشتر رشد می کنی
۳. هرچه با هوشتر رشد کنی، مدت بیشتری در موسسات آموزشی به تحصیل می پردازی
۴. هرچه بیشتر در موسسات آموزشی بمانی، مدارک بیشتری کسب می کنی
۵. هرچه مدارک بیشتری کسب کنی، فرزندان شما سرانجام هنگامی که در مدرسه باشند، نمرات بالاتری می گیرند.
۶. هرچه مدارک بیشتری بگیری، طولانی تر عمر می کنی.



## فرمول ب

۱. هرچه کمتر بخوانی، کمتر می دانی
۲. هرچه کمتر بدانی، با احتمال بیشتری ترک تحصیل می کنی
۳. هرچه زودتر ترک تحصیل کنی، زودتر و طولانی تر فقیر خواهی بود
۴. هرچه زودتر ترک تحصیل کنی، به احتمال زندان شدن خود می افزایی

بنیانهای این دو فرمول، کاملاً مستحکم است. فقر و بی سوادی با هم در ارتباط هستند. این دو والدین در ماندگی و زندان شدن هستند.

تا ۸۲ درصد از کسانی که در زندان هستند، ترک تحصیل کردگان از مدرسه هستند.

۶۰ درصد از زندانیان، بی سواد یا کم سوادند.

ارتباط بین خواندن و نرخ ترک تحصیل ساده است،

اگر نتوانی آنقدر خوب بخوانی که تکلیفت را انجام دهی، اثر آن بر روی برگه گزارش تحصیلی و یا موارد دیگر ثبت می شود. روزهای پیاپی دانشجویی با دلسردی و شکست در هر درس روبرو می شوی و پی در پی احساس بی آبرویی می کنی.

ارتباط قوی بین خواندن و فارغ التحصیل شدن وجود دارد و  
ارتباط قوی بین نخواندن و زندانی شدن وجود دارد (کمتر  
بدانی ، بیشتر فکر میکنی اگر خلاف کنی، دستگیری نمی  
شوی) . اگر نمرات یا توانایی خواندنت را تغییر دهی،  
جمعیت زندانی شدگان را تغییر می دهی که این مورد جو  
اجتماعی آمریکا را به گونه ای قابل توجه تغییر می دهد .

چرا اگر بیشتر تحصیل کنی، بیشتر زنده می مانی؟

ممکن است، نتوانیم بیان کنیم که این رابطه تا ۱۰۰ درصد امکان وقوع دارد، اما در بیشتر موارد درست است از آب در می آید.

عقل سلیم نشان داده است که هرچه تعلیم یافته تر باشی، بیشتر مستعد زندگی در شرایطی هستی که بیماریها، میکروب ها ، آتش سوزی ها یا شلیک گلوله شما و خانواده تان را تهدید کند.

هرچه تعلیم یافته تر باشی، کمتر مستعد درگیر شدن با رفتارهای خطرناک مانند مصرف مواد مخدر، یا اشتغال در شغل های خطرناک هستی.

هرچه تعلیم یافته تر باشی، بیمه سلامتی شما سودآور تر است. مثلا زود تر به مراقبتهای پزشکی روی می آوری.

هرچه تعلیم یافته تر باشی، بیمه سلامتی شما سودآور تر است.  
مثلا زود تر به مراقبتهای پزشکی روی می آوری. هنگامی که در  
مراحل بهبودی بعد از جراحی هستی، تعلیم یافتگی، کلید زنده  
بودن شماست،

زیرا نه تنها خودبتر می دانی که چه چیزی برای بازگشت به  
حالت سلامتی عادی برایت لازم است، بلکه همچنین در محیطی  
اقامت می کنی که تسهیلات پزشکی بهتر در دسترس است. با  
اشخاص تعلیم یافته بهتری سروکار داری که بر فرایند بازیابی  
سلامتی شما نظارت می کنند. جسم درمانی را مراعات می کنند  
و از اثرات منفی جانبی آن آگاهند.



## رابطه سیگار با سطح تحصیلی

محدوده دبیرستان	۳۰٪
دبیرستان	۲۸٪
مدرسه عالی	۲۷٪
دانشگاه و بیشتر	۱۱٪

**سطح تحصیلی والدین بر موفقیت کودکان تاثیر گذار است .**

آنهایی که دانش بیشتری دارند، غالباً از عهده آزمون حروف و اعداد بر می آیند. با افزایش سطح تحصیلی والدین ، مهارتهای پیش دبستانی کودکان افزایش می یابد.

درصد حروفی که کودک می شناسد

۷ %

۱۷ %

۲۵ %

۳۷ %

سواد والدین

دبستان

دبیرستان

مدرسه عالی

دانشگاه

درصد ارقام تا ۲۰ که می شناسد

۳۶%

۴۸%

۶۰%

۷۳%

سواد والدین

دبستان

دبیرستان

مدرسه عالی

دانشگاه

والدین با سوادتر بیشتر با کودکانشان صحبت می کنند، مواد نوشتاری بیشتری در محیط خانه وجود دارد ( کارت کتابخانه ، کتاب ، مجله و روزنامه و راهنمای های تلفن و ... ) ، کمتر برنامه های تلویزیونی تبلیغاتی می بینند، غالباً متن ها را با صدای بلند برای کودکانشان می خوانند .

و اما مورد خواندن شما را با هوشتر می کند. آیا اگر شما بتوانید با بیشتر از آنچه که در ذهن خود دارید، در آزمونی به گزینش بپردازید، امتیازی برای تان محسوب نمی شود؟

نظرتان در باره استفاده از سه ذهن دیگر که در هنگام آزمون همراه خود داشته باشید چیست؟ وقتی مطالعه می کنید، اطلاعات و تجربیات ذهن دیگران ( نویسندگان ) را به ذهن خود می افزائید و ذهن خود را عمیق تر و تواناتر برای درک جهان می سازید).

مثلا مطالعه خاطرات یک جراح به شما کمک می کند تا نه تنها مغز خود را بهتر بفهمید، بلکه تفکر و رفتار جراح را درک کنید و حتی شیوه ای را که در یک بیمارستان در این موارد بکار گرفته می شود را بیاموزید.

هرچه شما تعلیم یافته تر باشید بیشتر از عادات خطرناک  
در وی می‌گزینید.

بیشتر آموختگان غالباً بیشتر در فعالیتهای اجتماعی شرکت  
می‌کنند، غالباً بیشتر در انتخابات شرکت می‌کنند، حتی غالباً  
دفعات بیشتری برای بیماران که به خون نیاز دارند، خون  
هدیه می‌کنند. در نتیجه بیشتر یاری‌رسان تا خطر آفرین  
برای خود، خانواده و اجتماعی خود است.



چون غالباً غیرممکن است که بدون تحصیلات طبقه اجتماعی خود را تغییر داد، می توان استدلال کرد که امروز مطالعه رهایی بخشنده بزرگ برای ارتقاء به طبقه اجتماعی بالاتر است .

به روا بودن این ادعاها در ایران بیاندیشید،

آیا اگر بخوانید از مزایایی مشابه برخوردار میشوید و یا اگر  
نخوانید، با زیانهایی که به آن اشاره شد روبرو خواهید شد.

خواندن یا نخواندن

انتخاب

با شماست

شاد باشيد